

## آشنایی زدایی و هنجار گریزی در اشعار احمد عزیزی

مریم سلحشور<sup>۱</sup>نزهت طاهری فر<sup>۲</sup>

## چکیده

«بسیاری از مسائل زیبایی شناسی، امروزه برای ما به سبب کثرت استعمال عادی شده است؛ بنابر این تأثیر خود را از دست داده اند اما با غریب سازی می توان دوباره از آنها استفاده کرد.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۸) احمد عزیزی از شاعران بزرگی است که آشنایی زدایی و هنجارگریزی را به میزان قابل توجهی، در اشعار خود به کار برده است. این تکنیک ادبی در اشعار وی، باعث زیبایی و قوت زبان شعری و تأثیر گذاری هر چه بیشتر آن در ذهن مخاطب شده است. مهم ترین جلوه های آشنایی زدایی در شعر احمد عزیزی شامل هنجارگریزی در حوزه واژگانی، نحوی و معنایی است. در این پژوهش ما به بررسی نمودهای گوناگون آشنایی زدایی در اشعار احمد عزیزی و شواهد شعری آن خواهیم پرداخت.

## کلید واژه ها:

احمد عزیزی، آشنایی زدایی، هنجارگریزی، برجسته سازی.

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

۲- کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز- ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۲۲

تاریخ وصول: ۹۱/۱۱/۲۴

## مقدمه

احمد عزیزی در سال ۱۳۳۷ هـ.ش در سر پل ذهاب دیده به جهان گشود و پس از نقل مکان به تهران، به همکاری با روزنامه جمهوری اسلامی پرداخت. وی در آغاز اشعارش را در مجله جوانان منتشر ساخت. او از شاعرانی است که با انقلاب نشو و نما یافته و بیشتر اشعارش در قالب مثنوی است. احمد عزیزی در مثنوی‌هایش به دلیل صبغه مذهبی، قرآنی و عرفانی تحت تأثیر شاعران گذشته همچون مولانا و حافظ است؛ همچنین به دلیل استفاده از برخی ویژگی‌های سبک هندی در شعر خود، متأثر از بیدل دهلوی است. از میان شاعران معاصر نیز، به خاطر نمودهای رنگارنگی که از عناصر طبیعت در شعرهایش دارد، پیرو سهراب سپهری است. شعر احمد عزیزی علاوه بر اینکه دارای زبانی نرم و دلنشین است، از روح حماسی و اسطوره‌ای نیز برخوردار می‌باشد؛ وی به زیبایی‌های لفظی در شعرش، توجه خاصی دارد؛ او شاعری است که به داشتن «طبع آتشفشانی» مشهور است و نمودهای صمیمیت در شعرش، بازتاب زندگی مردم امروزی است. آثار احمد عزیزی شامل کفشهای مکاشفه، شرحی آواز، خوبانامه، باغ تناسخ، ترجمه زخم، باران پروانه، رودخانه رؤیا، ملکوت تکلم، سیل گل سرخ و ... است.

عزیزی از جمله کسانی است که در زمینه آشنایی زدایی و هنجارگزینی، تجربه‌های موفق و در خور توجهی دارد. هر چند نیما یوشیج پایه‌های آشنایی زدایی را در شعر فارسی بنیان نهاد اما هنجارگزینی‌ها در اشعار عزیزی دارای بسامد بالایی است که فزونی جلوه‌های شعری او را سبب شده است. او در این زمینه توانسته است با وسعت دادن به ذهن خلاق خود و عدول از قواعد تعریف شده زبان، مهارت خاص خود را در این بازی‌های واژگانی نشان دهد. رستاخیزی که وی در واژه‌ها به وجود می‌آورد، حاصل این نگاه خاص اوست. در واقع «شگرد هنر، نا آشنا کردن موضوعات و مشکل کردن صورت‌هاست. مشکل تولید می‌کند تا احساس لذت را طولانی کند زیرا فرایند درک حسّی یک پایان جمال شناسیک هنری و لذت بخش دارد و هر چه طولانی‌تر باشد، زیباتر است.» (شیری، ۱۳۸۰: ۹) در این مقاله با بررسی جنبه‌های مختلف هنجارگزینی در شعرهای احمد عزیزی، برآنیم تا زیبایی‌های آفرینش هنری در این اشعار و مهارت خاص او را در این زمینه نشان دهیم.

## آشنایی زدایی

آشنایی زدایی یکی از اصطلاحاتی است که در مکتب ادبی موسوم به «فرمالیسم روس» بسیار به کار برده شده است و در حقیقت یکی از ارکان نظریه های ادبی این مکتب به شمار می آید. «نخستین بار شکلوفسکی این مفهوم را مطرح کرد و واژه روسی (Ostrannenja) را به کار برد که در رساله اش به نام «هنر به مثابه شگرد» (۱۹۱۷) آمده است.» (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۲) وی در این مقاله مفهوم آشنایی زدایی را معرفی می کند. به نظر او کارکرد اصلی ادبیات، همان آشنایی زدایی است. «دستاوردهای مهم در نظریه آشنایی زدایی این است که ادبیات و هنر ناب، بر سر راه مخاطب خود مانع می گذارد و برخلاف بعضی نظریات، مفاهیم را آسان و قابل دسترسی نمی کند چون وقتی مانعی سر راه است، حرکت کندتر می گردد. باید در هر مقطعی مکث و تأمل کرد و در این هنگام است که خواننده به ادراکی دیگر و دید و تجربه یی تازه از زندگی دست می یابد.» (شایگان فر، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۸) «شکلوفسکی می گوید: «هدف زبان ادبی این است که عادات ادراکی و احساسی ما را با استفاده از اشکال غریب و غیرعادی به هم می زند و از این رو فرم را برجسته و آشکار می کند.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۸)

البته این مسأله در میان ادیبان و عرفای ما نیز پیشینه ای دارد. به قول دکتر شفیعی کدکنی: «یکی از ظریف ترین نکاتی که در اندیشه بزرگان عرفان ما نهفته است، همین مسأله رابطه معکوس میان عادت و حقیقت است. در نظر عرفای ما، هر چه به عادت نزدیک شویم، از حقیقت دورتر شده ایم و با شکستن عادت هاست که می توان به حقیقت رسید.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۲۸)

«بنا به نظر شکلوفسکی، ادراک های زندگی واقعی همواره در اثر عادات، ملال می شوند: ما به جای دیدن اشیاء، نشانه ها را می بینیم. اما هنر، رویکردهای ناآشنا و شیوه های نامنتظری برای دیدن فراهم می آورد تا بتوانیم به گونه ای اشیا را ببینیم که گویی نخستین بار آنها را می بینیم.» (هالند، ۱۳۸۸: ۲۴۲)

هنجارگریزی حاصل اتفاقی است که در کلمات رخ می دهد و نتیجه خلاقیت ذهن در به کار بردن آشنایی زدایی در کلمات است. «هر نوع هنجارگریزی سبب آشنایی زدایی نیست، بلکه آن قسم که زبان را ناآشنا و غریب می سازد و مخاطب را به تأمل بیشتر وامی دارد و لذت درک

ادبی او را فزونی می‌بخشد؛ یا به عبارت دیگر فراهنجاری که امکانات دیگر معناشناسانه و حسّی یک اثر را بیازماید و یا بیافریند، موجب آشنایی زدایی می‌گردد.» (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۹۸)

دکتر شفیع کدکنی شعر را این گونه تعریف می‌کند: «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت گوینده شعر، با شعر خود عملی روی زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایزی احساس می‌کند. می‌توان آشنایی زدایی را در خدمت ایجاد این تمایز قلمداد کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۶۳-۳) به طور کلی در آشنایی زدایی با استفاده از تخیل شاعر در به کار بردن کلمات، باید ساختار دستوری زبان را برهم ریخت و زبانی تازه و ناآشنا را به وجود آورد. آشنایی زدایی و گسترش معنای متن باید بر مبنای زبان هنجار صورت گیرد. در گفتار روزمره، آنچه از واقعیت ادراک می‌کنیم، به دلیل تکرار، ملال آور شده است اما در زبان ادبی، آشنایی زدایی ذهن ما را به هیجان و می‌دارد تا دریافتی جدید و تازه از زندگی را تجربه کنیم.

حوزه هنجارگزینی بسیار گسترده است. تقسیم بندی که «لیچ» از هنجارگزینی به دست می‌دهد، شامل هشت گروه است: «هنجارگزینی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی.» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۷۰) در این جستار ما به بررسی پربسامدترین هنجارگزینی‌ها در اشعار احمد غزینی که شامل هنجارگزینی واژگانی، هنجارگزینی باستان‌گرایی و هنجارگزینی نحوی است، می‌پردازیم.

## انواع آشنایی زدایی

### ۱- هنجارگزینی واژگانی:

زبان شعر از ترکیب و در کنار هم قرار گرفتن واژه‌ها، در یک شکل منسجم و منظم به وجود می‌آید، اما اگر میان واژه‌ها هیچ گونه تلاقی نباشد و واژه‌ها در جای خود مصرف شوند، شعر به وجود نمی‌آید. هنجارگزینی چهارچوب قواعد زبانی را برهم می‌زند. در هنجارگزینی واژگانی، شاعر با ساختن واژه‌های جدید خارج از قواعد زبان هنجار، زبان خود را برجسته می‌سازد؛ به عبارت دیگر، شاعر در این نوع هنجارگزینی کلمات را به شکلی غیرمعمول و نامتداول به کار می‌برد. احمد غزینی با زبانی زنده و تأثیرگذار و مهارتی بی‌نظیر، شگرد خاص خود را در

ساختن واژه‌های جدید به کار برده است. وی با تصرف‌هایی که در حوزه واژگان نموده است، ترکیب‌های نو و زیبایی آفریده است؛ ترکیب‌هایی که تصاویری سرشار از عاطفه و تخیل را سبب شده است. عزیزی هنجار گریزی‌های واژگانی را به شکل‌های متفاوتی خلق کرده است و بیشترین بسامد آنها در ساختن ترکیباتی است که بسیاری از آنان را نخستین بار قلم عزیزی تجربه کرده است:

### ۱-۱- اسامی مشتق جدید

این واژگان از یک تکواژ آزاد و حداقل یک تکواژ وابسته ساخته می‌شوند. کلماتی مانند: نالان، پرش، ریخته، خنده و ... از این دسته‌اند. از برجسته‌ترین موارد هنجارگریزی در اشعار احمد عزیزی، به کار بردن پسوندهایی برای ساختن کلمات مشتق است. بیشترین بسامد واژه‌های مشتق، در کتاب «کفش‌های مکاشفه»، «شرجی آواز» و «خوابنامه» و «روستای فطرت» وی است. به عنوان مثال عزیزی پسوند «ستان» که پسوندی مکانی است و با اسم ذات به کار می‌رود، با اسم معنی به کار برده و به این طریق موجبات آشنایی زدایی در شعرش را فراهم آورده است.

بچ بچ گل زیر گوش شاخه‌ها

در سکوتستان هوش شاخه‌ها

(شرجی آواز، ۳۳)

مهم‌ترین پسوندهایی که عزیزی به کار برده است و سبب آشنایی زدایی در اشعار او شده‌اند؛ عبارتند از:

۱- **ستان:** ظهورستان (شرجی آواز، ۱۲۳)، یزیدستان، تنستان، دلستان (رویای رویت، ۷۲)، شبنمستان و مریمستان و پرستان و کافرستان (خوابنامه، ۵۹)، چمستان و رمستان و عدمستان و صنمستان (ملکوت تکلم، ۲۶)، جغدستان (باغ تناسخ، ۱۰۴)، انارستان (زایران زاری، ۴۶)، سنگستان (ترانه‌های ایلایی، ۵۳). بیدستان (از ولایت باران، ۲۱) مریمستان (خواب میخک، ۵۱).

۲- **زار:** عطش زار، آینه زار (باغ تناسخ، ۳۴)، روح زار (خوابنامه، ۱۶)، رنگین کمان زار (باغ تناسخ، ۷۱)، بیدل زار (شرجی آواز، ۱۳)، سوره زار (ترانه‌های ایلایی، ۲۷).

۳-آباد: نزول آباد (شبنم های شبانه، ۳۵)، حیرت آباد (باغ تناسخ، ۵۶)، ناگفتن آباد (خوابنامه، ۶۳)، خامش آباد (شرجی آواز، ۶)، باطن آباد (باغ تناسخ، ۵۷). ظلمت آباد (از ولایت باران، ۲۷)

۴- خانه: طواف خانه (رویای رؤیت، ۸۱)

۵- بان: شبنم بان (شرجی آواز، ۱۳)، تصویر بان (باغ تناسخ، ۶۵)

۶- کده: آهنکده، زنکده (شرجی آواز، ۱۳۸)، تجلی کده (ملکوت تکلم، ۳۷)

۷- بار: شبنم بار، زنگباران (خوابنامه، ۶۱)

۸- زاد: شالی زاد (شرجی آواز، ۳۲)

۹- سوز: سایه سوز، آینه سوز (باغ تناسخ، ۶۲)، بهار سوز (شرجی آواز، ۹۷)

۱۰- ساز: ابوذر ساز (شرجی آواز، ۲۳)

۱۱- انه: کمانه، جانورانه (زایران زاری، ۵۵)

۱۲- آجین: شپش آجین (شرجی آواز، ۸۱)، لاله آجین (ترانه های ایلپایی، ۳۰)

۱۳- گاه: خونگاه (شرجی آواز، ۴۷)

۱۴- ناک: عطشناک (زایران زاری، ۴۴)

۱۵- زاده: طوفان زاده (ترانه های ایلپایی، ۴۸)

۱۶- وار: پیلوار (از ولایت باران، ۲۵)

۱۷- ریز: حوض ریز (خواب میخک، ۳۳)

## ۱-۲- واژگان مشتق مرکب

ترکیب دو تکواژ آزاد و یک وند (پسوند، پیشوند، میانوند) واژه های مشتق مرکب را می سازد. ذهن خلاق احمد عزیزی، با آفریدن این قبیل ترکیب های بدیع و نو، هنجار گریزی را در شعرش به وجود آورده است.

زمانه زلیخوابگاه منست

زمین یوسفی از گناه منست

به عالم سلیماندار توام

چو بلقیس خورشید دار توام

(خوابنامه، ۴۸)

عزیزی با ترکیب دو اسم «زلیخا و خوابگاه» و «سلیمان و ماندگار» ترکیب های بدیع و تازه ای خلق کرده که موجب آشنایی زدایی شده است. این گونه ترکیب ها در زبان هنجار استفاده نمی شوند. از دیگر نمونه های این دست واژه ها: منیژه (باغ تناسخ، ۶۰)، آذرخشنده (خوابنامه، ۴۹)، سرخوشانه (از ولایت باران، ۲۰) است اما اگر واژه های خونابه، گرمابه و ... را بشنویم، به خاطر عادت های ذهنی و تکرار زیاد در زبان، عدول از هنجار محسوب نمی شوند.

### ۱-۳- واژه‌هایی که در زبان محاوره به کار می روند

زبان شعر عزیزی سرشار از این گونه واژگان است و آنها را در خدمت بیان مفاهیم ذهنی خویش به خصوص مفاهیم عرفانی در می آورد؛ در آنجاست که آفرینش های هنری به واژه های محاوره ای پیوند می یابند. هر چند جسارتی که عزیزی در به کار بردن این واژگان دارد، گاه منجر به واژگانی مبتذل در عرصه اشعار او شده است؛ اما می توان صمیمیت شعرهای عزیزی را به کاربرد این دسته از واژگان نسبت داد. او به زیبایی از این واژگان برای بیان مضامین شعری اش به خصوص مفاهیم عرفانی استفاده می کند. عزیزی این کلمات را در اسم ها و فعل ها به کار می برد.

عقد عشقی بین روح و تن ببند	عارفا این بند را گردن ببند
روز عقد روح و تن سور شماسست	صد تجلی در تن طور شماسست
سور باید داد هر شب جسم را	سوخت باید ز آتش تب جسم را
روح را باید تجلیگاه کرد	جسم را باید شبیه آه کرد
در نیایی زین تجلی نیم سطر...	تا نمازت را نخوابانی به عطر
(کفشهای مکاشفه، ۲۷۲)	

نمونه های واژگان محاوره ای در اشعار احمد عزیزی از این قرارند: شیشه ساعت، چتته، تدریس، زلزله، خسوف، نصف النهار (خوابنامه، ۵۲)، مدار (خوابنامه، ۵۳)، گلدوزی (خوابنامه، ۵۳)، بوم رنگ (خوابنامه، ۵۷)، تمدن (خوابنامه، ۷۳)، دریانوردی (باغ تناسخ، ۴۵، ۷۲)، کفتر باز، بازار سیاه (باغ تناسخ، ۴۶)، نامه رسان (ملکوت تکلم، ۳۹)، شایبه بردار (ملکوت تکلم، ۴۸)، شته، سبزینه (باغ تناسخ، ۸۲)، ذره بین، خودنویس (کفش های مکاشفه،

(۵۱۸) ساعت (باغ تناسخ، ۹۶)، سترون (باغ تناسخ، ۹۶)، گلدان قناری (باغ تناسخ، ۴۶)،  
ساعت (باغ تناسخ، ۵۱)، مینیاتور (باغ تناسخ، ۵۶)، پنجره (زایران زاری، ۱۹)، مضطرب (ملکوت تکلم، ۴۷)، (شرجی آواز، ۹۰)، (شبنم های شبانه، ۶۴)، (ترانه های ایلایی، ۲۰۰)

ما به روی هر شب خم می شدیم  
مضطرب بودیم و درهم می شدیم  
(شرجی آواز، ۹۰)

ما نگاهی ذره بینی می شدیم  
آه ای خط خوش بی لک و پیس!  
محو تعلیمات دینی می شدیم  
(کفشهای مکاشفه، ۵۱۸)

شستیم می از لب و دهانی  
خوردیم ز خلسه استکانی  
(ملکوت تکلم، ۲۸۹)

ایات ضعیف در میان این دسته از اشعار عزیز می به خوبی مشهود است:

چقدر این ساز از سوز تو لرزید  
دل مردم ز آگروز تو لرزید  
نوشته روی نفس تو به انگشت  
که لطفاً پاک کن گندت مرا کشت  
(ترانه های ایلایی، ۱۳۰)

#### ۱-۴- نمونه های افعال محاوره ای

پهن کن (خوابنامه، ۶۶)، شته زدن (خوابنامه، ۶۷)، تا کردن (خوابنامه، ۷۰)، رقم خوردن (خوابنامه، ۷۵)، کوک (شرجی آواز، ۹۳)، اجاره کنند (خوابنامه، ۵۲)، قی نمی کرد (باغ تناسخ، ۴۲)، چشم همدیگر نداریم (باغ تناسخ، ۴۶)، ناز کردند (باغ تناسخ، ۶۴)، مبارک باد (باغ تناسخ، ۶۷)، تلافی می کنی (باغ تناسخ، ۷۲)، بشکن زده (ملکوت تکلم، ۲۸)، مکیدن (ملکوت تکلم، ۵۷)، لکه بر می دارد (باغ تناسخ، ۸۷)، بچکان (زایران زاری، ۳۰) و ...

از خم چشم تو چکیدن خوشست  
از مژه ات باده مکیدن خوشست  
(ملکوت تکلم، ۵۷)

بیا دکتر خبر کردن چه حاصل  
به یاتاقان نظر کردن چه حاصل  
(ترانه های ایلایی، ۱۳۰)



## ۱-۵- ترکیبات وصفی و اضافی جدید

احمد عزیزی از این ترکیبات حسّ آمیزی شده، پارادوکسی و ترکیبات تجریدی به وفور در اشعار خود استفاده کرده است. برخی از ترکیب‌ها از نوع ترکیب‌های سبک هندی است. تلاش برای ساختن ترکیب‌های تازه، آشنایی زدایی را به همراه دارد. ترکیب‌سازی‌های جدیدی که وی به کار برده، از این قبیلند:

جام می چشم پلنگ (ملکوت تکلم، ۴۸)، طوطی آینه نشین (ملکوت تکلم، ۵۰)، گلی نیمه شبم پذیر (خوابنامه، ۱۳)، افیون پرستان جادو نیاز (خوابنامه، ۱۶)، شبح آشنایان رویا پرست (خوابنامه، ۲۲)، فردا ویرانان دیروز و پریروز، زلف - پریشان (ملکوت تکلم، ۳۰)، ناسوت رنگ و تابوت رنگ (ملکوت تکلم، ۳۱)، آینه - گردان (ملکوت تکلم، ۴۱)، توفان - رم (ملکوت تکلم، ۶۰)، حیرت نوردان (باغ تناسخ، ۷۶)، زنبق زنان بلبل شناسان (باغ تناسخ، ۷۷)، چای شرعی (باغ تناسخ، ۷۹)، دهات خوشه (باغ تناسخ، ۸۶)، رقص خون (باغ تناسخ، ۸۸)، بادبان سالار (باغ تناسخ، ۹۳)، آینه شور زنگ (باغ تناسخ، ۹۸)، سرمه ذات (باغ تناسخ، ۱۰۲)، آسمازمینی (زایران زاری، ۳۱)، تشنیده (زایران زاری، ۳۵)، داغاداغ (زایران زاری، ۵۱)، بیگانگی (زایران زاری، ۵۹)، عسل خیز پاکی (خوابنامه، ۲۲)، کهنه - خماران (از ولایت باران، ۳۶)، عصر سیلو ناپذیر غله‌ها، کندوبازی زاد و ولد (خواب میخک، ۵۲)، شتر سوف (ترانه‌های ایلپایی، ۱۳۷)، سیمرخ کوب (ترانه‌های ایلپایی، ۸۷) و ...

عصر سیلو ناپذیر غله‌ها

عصر بی نام و نشان گله‌ها

عصر کند و بازی زاد و ولد

دوره زنبورهای نابلد

(خواب میخک، ۵۲)

جام می چشم پلنگیم ما

گردش پیمانۀ رنگیم ما

(ملکوت تکلم، ۴۸)

## ۱-۶- ساختن صفات مشتق نو

احمد عزیزی گاه از پسوندهایی در ساختن صفات مشتق استفاده می‌کند که نشان از مهارت خاصّ وی دارد. نمونه‌های این صفات از این قبیلند:

شبم واره (باغ تناسخ، ۵۲)، شکوفنده (خوابنامه، ۵۹)، آینه خیز، اندیشه ریز (خوابنامه، ۲۶)، لبخند ریز و قند خیز (خوابنامه، ۵۲)، نی لبک خیز (باغ تناسخ، ۴۲)، شبم خیز (باغ تناسخ، ۸۲)، الهام ریز- ایهام خیز (خوابنامه، ۸۱)، آتش خیز (ترانه های ایلایی، ۱۹)، خلواره ها (شرجی آواز، ۹۱) و...

هر چه می گشتیم در خلواره‌ها      گل نمی‌زد آتشی در خارها  
(شرجی آواز، ۹۱)

۷-۱- صفت تفضیلی با پسوند (تر) به جای صفت ساده بیانی و ساختن صفت عالی از اسم

عزیزی گاه به جای استفاده از صفت ساده بیانی، صفات تفضیلی می سازد که در زبان هنجار به کار نمی روند و نامأنوس به نظر می رسند. در مواردی نیز او با استفاده از ترکیب اسم با «ترین»، صفات عالی را از اسم می سازد از این قبیل:

گشته تر (شرجی آواز، ۶۱)، ارغوان اندیش تر (باغ تناسخ، ۸۴)، بوسیدنی تر (ترانه های ایلایی، ۲۸)، دلریش تر (رویای رویت، ۷۵، خوابنامه، ۵۲) فریباتر (خوابنامه، ۲۲) بی شبم ترین (باغ تناسخ، ۱۰۴) لیلا ترین (خوابنامه، ۵۸) آینه تر (باغ تناسخ، ۳۴) آبستن ترین (باغ تناسخ، ۷۷) دریا تر (باغ تناسخ، ۸۹)، مرغابی ترین (زایران زاری، ۳۸).

#### ۸-۱- کاربرد شکل مخفف اسم و صفت

کاربرد کلمات به شکل مخفف، نوعی هنجار شکنی محسوب می شود؛ چرا که «مخفف آوردن واژه ها بیشتر مربوط به مختصات آوایی سبک خراسانی و کهن است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۹۹) عزیزی «آگه» را به جای «آگاه» و «سیه» را به جای «سیاه» به کار برده است. از نمونه های دیگر این واژگان: ره، نگه (ترانه های ایلایی، ۱۲۹)، پیرهن خوابگه فسونگری (رویای رویت، ۱۲۱)، خانقه (رویای رویت، ۱۱۵)، نگه (رویای رویت، ۷۰)، فسانه سرایان (خوابنامه، ۱۷)، فاصل (شرجی آواز، ۱۳۸)، پریش (باغ تناسخ، ۷۸)، خوابگه (رویای رویت، ۲۳)، آگه (خوابنامه، ۲۲)، آگه-همره (خوابنامه، ۲۲)، خموشان (خوابنامه، ۶۳)، خموش (ملکوت تکلم، ۳۹)، کنون (خوابنامه، ۶۷)، فسون و بیگنه (شرجی آواز، ۵۱)، سیه (باغ تناسخ، ۳۵) و ...

خضر نام من به صحرا می‌برد / موسی از من ره به دریا می‌برد  
(شبنم‌های شبانه، ۶۷)

## ۲- هنجار گریزی زمانی (باستان‌گرایی)

باستان‌گرایی یا کهن‌گرایی به معنای آن است که شاعر در شعرش از کلمات مهجور و قواعد دستوری قدیم استفاده کند. یکی از راه‌هایی که به وسیله آن می‌توانیم کلام عادی را به زبان شعر تبدیل کنیم، باستان‌گرایی است. در مواردی شاعر از واژگان مرده زبان که واژگان گذشته زبان را در بر می‌گیرد، استفاده می‌کند. باستان‌گرایی اگر در خدمت زیبایی شعر باشد، از محاسن شعر است. در باستان‌گرایی واژگانی، شاعر به جای استفاده از کلمات متداول زبان، از واژگان قدیمی یا تلفظ‌های قدیمی واژگان استفاده می‌کند. باستان‌گرایی در اشعار احمد عزیزی دو نوع باستان‌گرایی در اسم و باستان‌گرایی در فعل را در بر می‌گیرد.

### ۲-۱- باستان‌گرایی در اسم

در باستان‌گرایی واژگانی، شاعر به جای استفاده از کلمات متداول زبان، از واژگان قدیمی یا تلفظ‌های قدیمی واژگان استفاده می‌کند. دکتر شفیع کدکنی در کتاب «موسیقی شعر»، تعریف جامع‌تری ارائه می‌دهد: «بهره‌گیری از واژگان کهن محدود به احیای واژگان مرده نیست؛ حتی انتخاب تلفظ قدیمی‌تر یک کلمه خود نوعی باستان‌گرایی محسوب می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۲۵) عزیزی با استفاده از واژه‌هایی که در اشعار گذشته زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، شعر خود را غنی ساخته است. وی واژه‌هایی را که در غزل‌های کهن به کار می‌رفته، به کرات در شعر خود آورده است. همچنین وی در مواردی، تلفظ قدیم واژه‌های امروزی را در اشعار خود به کار برده است. این شاهد نشان از تسلط عزیزی به زبان گذشته دارد.

### الف- به کار بردن الفاظ و واژگان قدیمی

عزیزی با برگزیدن واژه‌های قدیمی‌تر زبان فارسی، وجه دیگری از هنجارگریزی را در اشعار خود سبب شده است:

مجیز (ملکوت تکلم، ۷۱)، صعق (باغ تناسخ، ۹۰)، مغازله (زایران زاری، ۱۷)، طَبَّالان (زایران زاری، ۳۳) ناقه، چوگان، ساقی، میخانه، وصل، تنبور، چنگ، شمن، حاجب (خوابنامه، ۵۱)، عندلیب (خوابنامه، ۵۹) جام فروش (شرجی آواز، ۳۴)، مقرنس (شرجی آواز، ۱۱۸)، صبح (باغ تناسخ، ۵۱)، خنیاگر (باغ تناسخ، ۵۸)، وصل، سبو (باغ تناسخ، ۵۹)، شکرخا (ملکوت تکلم، ۲۷)، صراحی (ملکوت تکلم، ۲۹) مطرب (ملکوت تکلم، ۳۶)، سفته (ملکوت تکلم، ۴۷)، صهبا (ملکوت تکلم، ۵۱)، سبو (ملکوت تکلم، ۵۶) و ... .

چون به روی ناقه آمد تا سپاه      آن شبیه عیسی مریم ز راه

(شبیم‌های شبانه، ۱۲۸)

جانا بیا تا جان به قربان تو سازیم      ما عاشقات سر به چوگان تو بازیم

(رویای رویت، ۴۳)

گاهی حتی با به کار بردن تلفظ قدیمی واژه‌هایی مثل نک (رؤیای رویت، ۱۲۱) اوفتاد (خوابنامه، ۷۱) به هنجار گریزی دست زده است.

## ۲-۲- باستان‌گرایی در فعل

شاعر گاه در شعر خود از افعالی استفاده می‌کند که در دوره‌های گذشته استعمال می‌شده است و امروزه یا کاربرد بسیار کمی دارند و یا اصلاً مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. این افعال در زبان معیار بسیار کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. باستان‌گرایی در فعل در اشعار احمد عزیزی شامل موارد زیر است:

### الف- به کار بردن فعل‌های کهن:

هر چند افعال قدیمی، بسامد چندانی در اشعار احمد عزیزی ندارند اما کاربرد این گونه فعل‌ها را می‌توان به عنوان فاکتوری برای به کار بردن آشنایی زدایی شاعر مورد توجه قرار داد. از نمونه‌های این افعال شکوفید (خوابنامه، ۴۸)، موییده است (ملکوت تکلم، ۴۵)، بنه (رؤیای رویت، ۲۸) و ... است.

گل از گلزار مژگانم شکوفید      که رود سرمه ام ناگاه توفید

(ترانه‌های ایلایی، ۱۱۹)

گاهی نیز افعال نهی را در شکل قدیم آن با پیشوند میم به کار می برد.  
 جز گل زهرا در این گلشن مبین / یک ورق گل بی رخ بی بی مچین  
 (شبنم‌های شبانه، ۴۷)

#### ب- استفاده از افعال نیشابوری:

افعال نیشابوری که در گذشته مورد استفاده قرار می گرفتند، افعالی هستند که پس از صفت مفعولی که هاء آن حذف شده می آید و همزه آغاز افعال نیز حذف می شود. این افعال تنها شامل فعل های کمکی ماضی نقلی است. عزیزی کاربرد این افعال را در اشعار جزء جسارت های زبانی خویش قرار داده است.

درینجا صد ز تو استارستند / هگل با مولوی هم پنچرستند  
 (ترانه های ایلایی، ۱۲۹)

#### ج- ساختن فعل هایی با معانی دیگر گونه از بعضی مصادر

در مواردی عزیزی افعال را در غیر معنای اصلی خود به کار برده است. عزیزی به خصوص این ویژگی را در کتاب «باغ تناسخ» خود بسیار به کار برده است. چنان که «گرفتن» را در معنای «آتش گرفتن و شعله ور شدن» به کار برده است.

مبادا نینوا در ما بمیرد / اگر آتش بگیرد، نی بگیرد  
 (باغ تناسخ، ۳۷)  
 بیاتاحیرت چیدن بگیریم / بیاتاشور بوسیدن بگیریم  
 (باغ تناسخ، ۶۰)

#### د- ساختن فعل های مرکب از مصدر «کردن»

آهو شناسی کنی (خوابنامه، ۵۰)، فواره سازی کنی (خوابنامه، ۵۱)، آینه سازی کنیم (ملکوت تکلم، ۵۹)، پلنگی مکن (ملکوت تکلم، ۴۱)، رودخانه کن (زایران زاری، ۴۴)، کبوتر کرد (زایران زاری، ۵۷) و ... .

باغها را نرده بانی کرده‌اند / دیدنی‌ها را زمانی کرده‌اند  
 (خوابنامه، ۳۱)

## و- عبارت‌های فعلی

عبارت فعلی نوعی فعل است که دارای سه جزء حرف اضافه و اسم و فعل و یا بیشتر از سه جزء است. «عبارت فعلی به دسته‌ای از کلمات اطلاق می‌شود که از مجموع آنها معنی واحدی حاصل می‌شود و غالباً معادل با مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است.» (انوری، احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۲۹) اکثر عبارت‌های فعلی در زبان امروزی رایج نیست؛ بنابراین می‌توان آنها را مشخصه‌ای برای عدول از هنجار شاعر به شمار آورد. افعال گروهی به کار رفته در اشعار عزیزی از این قرارند:

بر باد رفتند (باغ تناسخ، ۴۴)، به زخم افتاده ام (باغ تناسخ، ۶۲)، از هم شده (ملکوت تکلم، ۲۶)، به سر دست شد (ملکوت تکلم، ۵۶)، از دست رفت (ملکوت تکلم، ۵۷)، جان به سر شد (باغ تناسخ، ۸۲)، در بر کشم (زایران زاری، ۵۱)، در راه ماند (شبنم‌های شبانه، ۹۱)، به هم می‌شوند (خوابنامه، ۲۱) و ...

سرمه سبویی به سر دست شد      از می بادام، که سرمست شد  
(ملکوت تکلم، ۵۶)

## ۳- آشنایی زدایی معنایی

آشنایی زدایی معنایی عبارت است از عدم رعایت قواعد معنایی حاکم بر کیفیت همنشینی واژه‌ها در زبان معیار. همچنین صنایع ادبی از قبیل تشبیه، استعاره، تشخیص، مراعات نظیر، پارادوکس و سایر صنایع ادبی دیگر نیز در چارچوب هنجارگریزی معنایی تعریف شده‌اند. از آنجا که حوزه معنا انعطاف پذیرترین سطح زبان محسوب می‌شود؛ انتظار می‌رود که سطح معنایی بیشتر از سایر سطوح زبان در برجسته‌سازی ادبی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۳-۱- تشبیه

تشبیه از کاربردی ترین آرایه‌های شعری است. در حقیقت تشبیه «یادآوری همانندی و مشابهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۳) تشبیه مخاطب را وادار می‌سازد تا همانندی و تشابه اجزای شعری را کشف کند. عزیزی تشبیهات را اغلب بلیغ به کار می‌برد. از تشبیهات ضعیف او که بگذریم؛ او در مواردی اجزای

طرفین تشبیه و همچنین وجه شبه ها را به گونه‌ای هنری استفاده می‌کند که زیبا و درخور توجه‌اند.

هر نگاهت صحن حیرتخانه‌ای ست	هر نفس چشم تو در افسانه‌ای است
ای لبان سرخ تو مضمون تاک	ای زا بروی تو فرق لفظ چاک
دانه‌سسیمرغ حیرت، خال تو	ای ز عرش رنگ‌ها تمثال تو
(شرجی آواز، ۵۷-۵۸)	

از نمونه‌های دیگر تشبیه:

کوچه سرد نفس (ملکوت تکلم، ۵۲۷)، جاده‌های زنجیر گرفته جنون (زایران زاری، ۱۱)، مخمل سبز زمان (خواب میخک، ۵۶)، فصل وهم انگیز تنهایی (کفش‌های مکاشفه، ۵۸۳) و...

### ۳-۲- استعاره

استعاره ادعای همانندی بین مشبّه و مشبّه به است و کشف این ادعا بر عهده مخاطب است. هدف از کاربرد استعاره، افزودن بر تأکید و مبالغه در کلام است. «استعاره بزرگ‌ترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطة زبان هنری است. اشعار کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی کلام است.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۲) کاربرد واژه در غیر معنای واقعی منجر به ایجاد ارتباط پیچیده‌ای بین اجزای کلام می‌شود و زیبایی کلام را چندین برابر می‌کند. در اشعار عزیزی استعارات فراوانی به کار رفته است؛ از جمله در نمونه زیر:

شد ماه به چین دامن موج	زد سگّه نقره بر تن موج
	(ملکوت تکلم، ۳۸۴)

در این بیت، سگّه نقره استعاره از عکس ماه بر روی موج دریاست که به کلام برجستگی بخشیده و هنجارگریزی را سبب شده است.

### ۳-۳- حس آمیزی

حس آمیزی از همنشینی کلمات نامأنوس به وجود می‌آید و تصاویر ناآشنایی را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد. رد پای حس آمیزی را در جای جای آثار عزیزی می‌توان دید که با

بسامدهای مختلفی آنها را به کار برده است. او با بهره گرفتن از همه حواس انسان در حس آمیزی و ترکیب این حواس با یکدیگر، به هنجارگزینی دست زده است. نمونه‌های حس آمیزی از این قرارند:

رویای خوشرنگ تو (خوابنامه، ۶۷) سکوت سایه (باغ تناسخ، ۴۳) غزل نوشان (باغ تناسخ، ۳۴)  
 (مزه چشم تو) (ملکوت تکلم، ۲۷) بوی خدا میوزد از سینهات (ملکوت تکلم، ۴۱) و...  
 صدایم در آن واحه بیرنگ بود      نفس هایم آغشته با سنگ بود  
 (خوابنامه، ۱۱)  
 تو بر تار دقایق می تنیدی      تو اندوه شقایق می شنیدی  
 (باغ تناسخ، ۸۹)

#### ۴- تناقض نما (پارادوکس)

«تناقض معمولاً به خاطر یکی از واژه‌هایی است که به طور مجازی و یا در بیش از یک معنی به کار رفته باشد. ناممکن بودن ظاهری آن، نظر خواننده را جلب می‌کند و پوچی ظاهری آن بر حقیقت آنچه گفته می‌شود، تأکید می‌کند.» (لارنس، ۱۳۸۳: ۶۲) تناقض ترکیب مفاهیمی است که در ظاهر متناقض هستند و مفهوم واحدی را ارایه می‌دهند. شفیعی کدکنی در کتاب «موسیقی شعر» می‌گوید: «یکی از انواع آشنایی زدایی هنری در زبان، انتخاب بیان پارادوکسی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۶) از مقوله‌های دیگری که به کلام غزنی برجستگی داده، تکنیک تناقض است که در ویژگی‌های سبکی وی ادغام شده است.

چه دوراست پژواک نزدیک تو      چه زیباست این نور تاریک تو  
 (خوابنامه، ۵۵)  
 چه می دانیم شاید روح تن بود      همین غربت برای ما وطن بود  
 (باغ تناسخ، ۱۰۱)



## نتیجه گیری

آشنایی زدایی و عدول از هنجارهای متعارف زبان را می‌توان از ویژگی‌های سبکی اصلی احمد عزیزی شمرد. وی با استفاده از این تکنیک، تأثیر عاطفی اشعارش را دوچندان کرده است. هر چند ابیات سست و ضعیف در اشعار وی کم نیست اما او با انحراف از معیار زبان توانسته است، زبان شعری خود را وسعت ببخشد. بسامد انواع آشنایی زدایی در اشعار عزیزی، بسیار متفاوت است. عزیزی با جسارت‌های زبانی که به خصوص در هنجارگریزی‌های واژگانی به کار برده است، توانسته است تجربه‌های موفق‌تری در این زمینه از خود برجای بگذارد.

Archive of SID

## منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۹۰)، ساختار و تأویل متن، چ ۵، تهران، نشر مرکز.
- ۲- انوری، احمدی گیوی، (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات فاطمی.
- ۳- جلیلی، فروغ، (۱۳۸۰)، آینه‌ای بی طرح، چاپ اول، تبریز، نشر آیدین.
- ۴- شایگان فر، حمیدرضا، (۱۳۸۰)، نقد ادبی، چاپ اول، تهران، نشر دستان.
- ۵- شیری، علی اکبر، (۱۳۸۰)، نقش آشنایی زدایی در آفرینش زبان ادبی، آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۵۹.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمّد رضا، (۱۳۷۳)، موسیقی شعر، چاپ سوم، تهران، نشر آگاه.
- ۷- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه.
- ۸- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، نقد ادبی، چاپ اول، تهران، نشر فردوس.
- ۹- صفوی، کوروش، (۱۳۷۳)، از زبان شناسی به ادبیات، چاپ اول، تهران، نشر چشمه.
- ۱۰- عزیزی، احمد، (۱۳۸۲)، شب‌نامه‌های شبانه، چاپ اول، تهران، نشر اباصالح.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، خوابنامه، چاپ اول، تهران، نشر برگ.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۶۸)، باغ تناسخ، چاپ اول، تهران، نشر اقبال لاهوری.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، زایران زاری، چاپ اول، تهران، نشر آوای نور.
- ۱۴- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، رؤیای رؤیت، چاپ اول، تهران، نشر سروش.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، از ولایت باران، چاپ دوم، تهران، سروش.
- ۱۶- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، ترانه‌های ایلایی، چاپ اول، تهران، نشر کیهان.
- ۱۷- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، ملکوت تکلم، چاپ اول، تهران، نشر روزنه.
- ۱۸- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹)، کفش‌های مکاشفه، چاپ دوم، تهران، نشر الهدی.
- ۱۹- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۶۸)، شرجی آواز، چاپ اول، تهران، نشر برگ.
- ۲۰- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، قوس غزل، چاپ اول، تهران، نشر نیستان.
- ۲۱- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، خواب میخک، چاپ اول، تهران، نشر تکا.
- ۲۲- قره باغی، علی اصغر، (۱۳۸۲)، واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی آشنایی زدایی، نشریه فرهنگ و هنر، گلستانه، ش ۴۸.
- ۲۳- لارنس، پرین، (۱۳۸۳)، درباره شعر، مترجم فاطمه راکعی، چاپ سوم، تهران، نشر اطلاعات.
- ۲۴- هالند، ریچارد، (۱۳۸۸)، درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت، مترجم علی معصومی، چاپ سوم، تهران.